

مطابقت نظام تولید مشارکتی با قواعد فقهی

و اصول اسلامی

محمد مهدی نجفی علمی*

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۷/۱۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱۱/۲

نظام تولید مشارکتی با استفاده از آثار مختلف خود بر عوامل اقتصادی، یکی از نظام‌های دستمزدی مطرح بوده و در بسیاری از موارد به صورت عملی مورد استفاده قرار گرفته است. اما مسئله‌ای که باید به آن پرداخته شود این است که نظام دستمزدی تولید مشارکتی از نظر تطبیق با اصول اسلامی دستمزد، چگونه خواهد بود و این نظام دستمزدی در چه شکل و قالب اسلامی از نظر عقود اسلامی قرار خواهد گرفت. بعد از بررسی اصول اسلامی درباره دستمزد و بررسی برخی مسائل فقهی مرتبط، به تعیین قالب عقد تولید مشارکتی در اسلام و به ارائه شواهدی پیرامون تطبیق تولید مشارکتی با اصول اسلامی دستمزد خواهیم پرداخت. بعد از بررسی این مسائل، نتیجه این است که نظام تولید مشارکتی از لحاظ قواعد فقهی و اصول اسلامی مستخرج از دستورات و روایات اسلامی، کاملاً مورد تأیید و تشویق بوده و قالب عقد این نظام نیز می‌تواند در قالب عقود مختلفی ظاهر شود.

کلیدواژه‌ها: اصول اسلامی دستمزد؛ تولید مشارکتی؛ دستمزد؛ اسلام

* دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه پیام نور مرکز تحصیلات تکمیلی؛

Email: mm.najafielmi@yahoo.com

مقدمه

نظام پرداخت دستمزد، همه افراد جامعه را از نظر اقتصادی متأثر می‌کند و بر متغیرهای مهم و متفاوت اقتصادی اثرات فراوان و نظام‌مندی را خواهد داشت. امروزه حدود ده‌ها نظام دستمزدی وجود داشته و به اجرا گذاشته می‌شود. سیستم یا نظام پرداخت، بیان می‌دارد که چگونه تلاش افراد می‌باید با پاداشی که به کارکنان داده می‌شود، مرتبط گردد. در میان نظام‌های مختلف دستمزدی، نظام دستمزد تولید مشارکتی از نظام‌های مطرح بوده و در موارد مختلف و متعدد در کشورهای دنیا مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از مسائل اساسی درباره نظام تولید مشارکتی، نحوه تطبیق آن با عقود اسلامی است. به عبارت دیگر، سؤال این است که نظام دستمزدی تولید مشارکتی را براساس کدام عقد یا عقود اسلامی می‌توان اجرایی کرد. بنابراین هدف اصلی در این مقاله تطبیق نظام دستمزد تولید مشارکتی با عقود اسلامی از جوانب مختلف است. برای بررسی این مسئله بعد از معرفی کلی نظام تولید مشارکتی، ابتدا این نظام با قواعد فقهی و اصول اسلامی تطبیق داده شده و بعد از آن، نحوه تطبیق نظام تولید مشارکتی با عقود مختلف اسلامی از جوانب گوناگون مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در پایان نیز تأییدات کلی اسلام درباره این عقد بیان می‌شود. در نهایت بحث و بررسی مفصل نشان می‌دهد که این نظام پرداخت به صورت کلی می‌تواند با عقود اسلامی انطباق داشته باشد. گفتنی است این تحقیق در نوع خود بدون سابقه می‌باشد. البته درباره تولید مشارکتی و خصوصیات دستمزد از نگاه اسلام و از منظر فقهی و اصول مرتبط، همان گونه که از منابع مشخص است، به صورت جداگانه تحقیقاتی انجام گرفته است.

۱. بررسی نظام تولید مشارکتی

الگوی تولید مشارکتی، و مشابه آن طرح سهیم شدن در سود، به عنوان اصلی‌ترین طرح‌های انگیزشی و جزو پیمان‌های دسته‌جمعی کار مطرح است. پیمان‌های دسته‌جمعی کار تنها بین کارگر و کارفرما برقرار نیست؛ بلکه این پیمان بین جمعیتی از افراد کارگر با یک یا چند کارفرما تعیین می‌شود (احمدی، ۱۳۸۱: ۴۳-۴۲).

تولید مشارکتی دارای انواع مختلفی است؛ برای مثال در یک طرح سود بالای ۱۰

درصد نسبت به سرمایه را به صورت سهم ۵۰ درصد بین کارگران و کارفرما تقسیم می کردند. در جای دیگر، سهم اضافی دیگر با سود مرتبط نبود، بلکه با مقیاس متغیر مرتبط با قیمت گاز، تغییر می کرد. در طرح دیگری با توجه به سود، بنگاه، سهامی را از سهم سود افراد برای آنها در نظر می گرفت؛ به هر صورت برخی سهم ها به صورت نقدی، برخی به صورت سهم و یا به صورت ترکیبی است (Matthews, 1989: 440).

۱-۱. تعریف و عناصر تشکیل دهنده

تسهیم سود^۱ طرحی است که نسبت به جمعیت زیادی از کارگران و نه فقط برای ناظران و مدیران، پاداشی اضافی و از قبل تعیین شده را نسبت به دستمزد، پرداخت می کند؛ این پاداش نیز به سود بنگاه مرتبط است. این تعریف پرداخت های کارمزدی، پاداش های اتفاقی و بدون برنامه، و تعاونی کارگران را از تولید مشارکتی متمایز خواهد کرد (Ibid.). در این الگو نرخ دستمزد را می توان از یک نرخ حداقلی به اضافه درصدی از سود دانست:

$$W = W^* + \alpha \pi$$

در این معادله W دستمزد نهایی و W^* دستمزد حداقل، و $\alpha \pi$ ، ضریبی از مقدار سود

خواهد بود. عناصر این نظام چنین است:

الف) دستمزد متناسب با بهره‌وری: با ثبات تمام شرایط اقتصادی، کارگران با افزایش تولید، دریافت بیشتری خواهند داشت. به عبارت دیگر بر اثر افزایش بهره‌وری و به تبع آن تولید بنگاه، با ثبات تمام شرایط، سود بنگاه افزوده و نهایتاً دستمزد نهایی کارگران نیز افزایش خواهد یافت.

ب) انعطاف نسبت به قیمت و شرایط بنگاه: سود افزایش قیمت باید بین کارگران و کارفرما تقسیم شود؛ همان گونه که زیان کاهش قیمت، معمولاً به هر دو طرف می رسد.

ج) تعیین دستمزد پایه و درصد سود: یک بخش از این نظام، تعیین دستمزد ثابت، و بخش بعدی تعیین نسبت دریافتی کارگر از سود است؛ مقدار ثابت دستمزد موجب یک حداقل رفاه برای کارگر و مقدار متغیر دستمزد موجب تشویق فرد به کار و بهره‌وری بیشتر می شود.

(د) **انعطاف نسبت به اشتغال:** تولید مشارکتی در تعیین تعداد افراد دخالت نکرده و از این جهت، ورود و خروج افراد در این نظام آزاد است. بنابراین اگر براهین شرایط مختلف، اضافه عرضه کار به وجود آید، کارفرما از این عرضه ممانعت نکرده و این عرضه خودبه خود در برخی موارد موجب دریافتی کمتری در کوتاه مدت برای کارگران و البته در بلندمدت موجب افزایش رفاه می شود.

۲-۱. سابقه نظام تولید مشارکتی در برخی کشورها

در عصر ماقبل صنعتی نظام تسهیم غله دیده می شود؛ در اوایل قرن نوزده، طرح های قطعه ای مورد استفاده بود؛ معدنکاران براساس مقدار سهم های استخراج شده مزد می گرفتند؛ به تدریج نمونه هایی از تسهیم سود در آمریکا، انگلیس و فرانسه ظهور کرد. با رونق اتحادیه های کارگری توجه به طرح تسهیم بیشتر شد. در اواخر دهه ۳۰، جلساتی در مجلس سنای آمریکا برای تشویق تسهیم سود برگزار شد. همچنین استفاده از تسهیم سود در دهه ۵۰ تا حدی توسعه یافت؛ این طرح در دهه ۶۰ در بنگاه های کوچک تر متمرکز شده و در دهه ۹۰ تسهیم سود برای کارگران مرتبط با تولید به شدت افزایش یافت (رستمی، ۱۳۸۴: ۹۲-۹۰).

سیستم تقسیم محصول بین مالک زمین و زارع در کشور هند، روش «درجه بندی متغیر»، در صنایع آهن و فولاد انگلیس، صندوق ثابت دستمزد، که اقتصاددانان کلاسیک آن را توصیه کرده اند، روش تسهیم سود ژاپنی ها یا تقسیم براساس فروش، بیانگر انواع قراردادهای شراکتی است (ویتزمن، ۱۳۶۸: ۱۰۰).

قراردادهای تسهیم سود یا تسهیم درآمد، در صنعت ساخت فیلم، از شروع دوره استودیو و آلتیه، به صورت قابل ملاحظه از سال ۱۹۴۸ آغاز شده است (Weinstein, 1998: 67). شراکت جون لوئیس^۱ بر مبنای تولید مشارکتی در حدود ۳۰ هزار کارگر را استخدام کرده و از سال ۱۹۷۰ میلادی حدود ۱۳ تا ۲۴ درصد از درآمد کارگران را به صورت مرتبط با سود پرداخت کرده است (Bradley and Saul, 1992: 291).

1. John Lewis

در اقتصاد امروز آمریکا، شیوه مشارکت در سود برای پرداخت دستمزد کارگران، در بیش از ۱۵ درصد کارخانجات متداول بوده و برخی شرکت‌های بزرگ را دربرمی‌گیرد؛ در کارخانه‌های بزرگ‌تر سهم پرداختی کارفرما ۵ تا ۱۰ درصد دستمزد است (ویتزمن، ۱۳۶۸: ۹۳). در ایالات متحده حدود ۲۲ میلیون کارگر و حدود ۲۰ درصد نیروی کار، در ۴۰۰ هزار طرح تسهیم سود شرکت کرده‌اند. این وضعیت با ۴ درصد طرح‌هایی که تقسیم وجه نقد مستقیم می‌پردازند، ۷۸ درصد با پرداخت‌هایی که با تأخیر به صورت حقوق بازنشستگی پرداخت می‌شوند، و ۱۸ درصد باقی‌مانده که ترکیبی از هر دو است انجام می‌پذیرد (Kruse, 1991: 438). درصد مهمی از دستمزد برای اکثر کارگران ژاپنی به صورت فوق‌العاده حقوق، براساس تقسیم سود به آنها پرداخت می‌شود (ویتزمن، ۱۳۶۸: ۸۷).

در ایران نیز در سال ۱۳۴۱ هیئت وزیران قانون سهیم کردن کارگران در منافع کارگاه‌ها را تصویب کردند. به موجب این قانون، میزان سهم کارگران از منافع کارگاه، از ۲۰ درصد منافع خالص تجاوز نمی‌کند (کار، ۱۳۴۳: ۱۶۱-۱۵۲). در ماده دوم، قانون کار مصوب ۱۳۶۹ در ایران، با بیان عبارت سهم سود، عملاً این قانون حرکت در مسیر تولید مشارکتی را مجاز می‌داند. کارگر از لحاظ این قانون کسی است که به هر عنوان در مقابل دریافت حق‌السعی اعم از مزد، حقوق، سهم سود و سایر مزایا به درخواست کارفرما کار می‌کند (احمدی، ۱۳۸۱: ۳۱).

۲. برخی قواعد فقهی دستمزد

در فقه اسلامی دو روش «دستمزد ثابت» و روش «شرکت در محصول و یا سود» وجود دارد (عیوضلو، ۱۳۷۵: ۳). علامه حلی متذکر می‌شود که وکالت و اجاره در برخی موارد پذیرفته نمی‌شود. مثلاً همان‌طور که هیزم و علوفه‌ای را که دیگری به وکالت جمع‌آوری کرده، نمی‌شود تملک کرد و یا از مزایای احیای زمین که وکیل انجام داده استفاده کرد، مستأجر نیز منافع اقدامات اجیر روی طبیعت را، نمی‌تواند تملک کند (صدر، ۱۳۵۷، ج ۲: ۲۰۳). محصول و درآمد تولیدی در هنگام کار روی مواد اولیه طبیعی، فقط در مالکیت کسی است که روی آن مواد - مثل کارگر - شخصاً کار کرده باشد و صاحبان ابزار تولید همانند

زمین و سرمایه، سهمی از محصول نمی‌برند. اسلام در مقابل این خدمات آنها را فقط مستحق اجرت دانسته است (همان: ۲۰۷). بنابراین، عامل کار تمام محصول تولیدی را که شخصاً تولید کرده تصاحب می‌کند، به شرط آنکه ماده اولیه جزو ثروت‌های طبیعی بلاصاحب باشد، صاحب ابزار کار در این میانه سهمی از محصول و نتیجه نخواهد داشت (همان: ۲۱۷).

نماء در مالکیت تابع اصل است. اگر ماده اولیه قبلاً در مالکیت دیگری باشد، بنا به قاعده ثبات مالکیت، هر قدر هم که با کار بعدی ماده اولیه تغییر شکل یابد، همچنان کالا در ملکیت صاحب اولیه اش مانده، و صاحب کار فقط مستحق اجرت است (همان: ۲۱۸-۲۱۷). اصل ثبات مالکیت تنها در قراردادهای مشارکتی میان کارگر و مالک منابع طبیعی، و یا سرمایه استثنا می‌پذیرد (رستمی، ۱۳۸۴: ۱۸۴). بنابراین در تمام مواردی که به بطلان مزارعه حکم داده می‌شود، اگر بذر از صاحب باشد، محصول برای صاحب زمین است و او باید اجرت‌المثل عامل را بپردازد؛ همچنین اگر بذر از عامل باشد، محصول برای عامل، و عامل باید به صاحب اجرت‌المثل بدهد؛ همچنین اگر بذر به نسبت باشد، محصول به نسبت بذری که داده‌اند میانشان تقسیم می‌شود (صدر، ۱۳۵۷، ج ۲: ۲۱۵-۲۱۴).

همچنان که اجاره ابزار تولید جایز است، اجاره زمین نیز در مقابل پرداخت مبلغ معین، بنا بر نظر اکثر فقهای اسلامی، جایز خواهد بود. همچنین انسان برای یک کار تولیدی یا خرید کالای تجاری، اگر شخصی را استخدام کند، او مستحق دریافت اجرت است (همان: ۲۲۶-۲۲۵). روش شرکت در منافع، در مورد صاحب ابزار تولید تحریم و غیرقانونی اعلام شده است، و فقط اجرت این گونه وسایل، به صاحبان آنها تعلق می‌گیرد. بنابراین روش قانونی درآمد، از ابزار تولیدی (فقط اجرت) و سرمایه تجاری (فقط مشارکت)، در نقطه مقابل هم قرار دارند؛ در صورتی که در مورد کار هر دو روش قابل اجراست (همان: ۲۴۲-۲۴۱). البته برخی معتقدند وجود بعضی معاملات در فقه اسلامی دلالت بر جواز مشارکت ابزار تولید در محصول می‌کند. مثل مزارعه که بنا بر نظر اکثر فقها در این قرارداد ابزار کشاورزی می‌تواند از یکی باشد و بقیه عوامل را فرد دیگری فراهم کند، و محصول بین آنها براساس قرارداد تقسیم شود (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۰۰-۹۹).

درآمدی که به کار مستقیم، مثل کار کارگر، و یا منفصل (غیرمستقیم)، مثل کار ذخیره شده در ابزار تولید، و جز آن مبتنی نباشد، ممنوع و غیرقانونی است. بنابراین هیچ کس نمی‌تواند بدون انجام کار، درآمد تضمین شده‌ای کسب کند (صدر، ۱۳۵۷، ج ۲: ۲۴۷).

۳. مبانی اسلامی سهم‌بری نیروی کار

برای درک هر چه بهتر تطبیق جایگاه نظام تولید مشارکتی در میان مبانی اسلامی، در این بخش به معرفی برخی مبانی اسلامی نیروی کار می‌پردازیم.

۳-۱. عدالت برای فرد و جامعه

از مهم‌ترین مبانی نظام دستمزدی مناسب را باید عدالت دانست. عدالت مفهوم بسیار گسترده و جامعی است و باید از جهات مختلف به آن نگریست و آن را مورد بررسی قرار داد. یک نظام دستمزدی مناسب اولاً باید به گونه‌ای باشد که فرد احساس کند به اندازه کار خود پاداش می‌گیرد و آن مقدار که تلاش می‌کند به او پرداخت می‌شود. ثانیاً نظام دستمزدی باید با تغییر شرایط مختلف اقتصادی که به تغییر سود یا قیمت کالا و خدمت تولیدی منجر می‌شود، دستمزد افراد را نیز تغییر دهد و از این جهت نیز عادلانه باشد. چرا که باید با تغییر نوسان قیمتی، سهمی هم از این تغییر به کارگرانی که چنین کالایی را تولید می‌کنند، برسد و تنها این افزایش قیمت به نفع صاحبان سرمایه یا کارفرما نباشد.

۳-۲. رفاه حداکثر برای جامعه

اقتصاد سالم آن است که جریان ثروت و منابع اولیه به نحوی باشد که بر ثروت بیافزاید و قدرت ملی را در تحصیل مسائل مادی و معنوی زندگی مضاعف کند (مطهری، ۱۴۰۳: ۲۰۰). در اکثر تئوری‌های مرتبط با تابع رفاه، افزایش درآمد فقرا به یک میزان مشخص، نسبت به افزایش درآمد ثروتمندان به همان میزان، رفاه اجتماعی را بالاتر خواهد برد. لذا با توجه به آنکه اکثریت افراد مزدبگیر جامعه را - حداقل در وضعیت فعلی - افراد فقیر تشکیل می‌دهند، لذا وزن بالاتر به آنها، موجب رفاه حداکثر برای جامعه خواهد بود. در این باره امام

علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «تکیه گاه دین، اجتماع مسلمین، و نیروی ذخیره برای دشمنان، تنها توده مردم هستند (نه مترفین و زراندوزان جامعه) پس گوش تو باید به سوی توده مردم و گرایش به سوی آنان باشد». همچنین ایشان می‌فرمایند: «باید محبوب‌ترین کارها در نزد تو ... جامع‌ترین و هماهنگ‌ترین آنها از نظر کسب رضایت مردم باشد؛ چرا که بی‌تردید خشم توده مردم رضایت و خشنودی خواص جامعه را بی‌اثر می‌سازد و خشم خواص با رضایت توده مردم بخشیده و جبران خواهد شد».

۳-۳. حداکثر کارایی

یک نظام دستمزدی مناسب، باید به گونه‌ای طراحی شود که به افزایش کارایی منجر گردد؛ چرا که عدم استفاده کامل از استعدادهای نیروی کار نوعی اتلاف است و لذا اگر کارفرما مانع ارتقای بهره‌وری کارگر و سرمایه شود ضامن است؛ استهلاک انسان صرف عمر گران‌بهای اوست و با استهلاک ماشین قابل مقایسه نیست؛ کمال انسان مهم‌تر از کمال ماشین است (رستمی، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

۳-۴. اصالت کار در الگو

در نظر اسلام ارتباط کارگر با کار خود، هیچگاه از بین نمی‌رود؛ بنابراین کار برترین وسیله توزیع است (تسخیری، ۱۳۸۲: ۲۴۵). موجب طبیعی و غریزی مالکیت دو چیز است: یکی کار و ایجاد و به عبارت دیگر ارتباط فاعلی، و دیگری تملیک و بخشش و به عبارت دیگر ارتباط غائی است (مطهری، ۱۴۰۳: ۱۴۶). برای رسیدن به نمایندگی خداوند در مسئله مالکیت، باید از طریق کار وارد شد؛ کار ریشه اصلی انواع مالکیت است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۱۲۴). هر قانونی که بخواهد رابطه میان انسان و مالکیت او را نسبت به کارش از بین ببرد، قانونی بر ضد مسیر طبیعت و آفرینش و جنگ با خداست (همان: ۹۸). بنابراین مهم این است که سهم عمده را به کار پردازیم. درعین حال، سهمی از درآمد که انگیزه سرمایه‌گذاری سالم گردد را برای ابزار تولید قائل شویم (همان: ۱۴۷). فلسفه حرمت ربا جلوگیری از سیطره سرمایه بوده و سرمایه و کار لاقبل باید همپراز باشند یا باید قدرت نیروی کار بیشتر باشد (جهانیان، ۱۳۸۸: ۳۴۹).

۳-۵. دسترسی آسان به سرمایه، با هزینه کمتر

در جامعه‌ای که سرمایه به آسانی یافت شود، دیگر کارگری که مجبور به گذراندن زندگی خود است، مجبور نیست با هر قیمتی مشغول به کار شده و خود را به صورت اجباری به زحمت بیاندازد. لذا امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «بدترین چیزی که شخصی از خود باقی می‌گذارد مال را کد است، [زراره می‌گوید: عرض کردم پس با آن مال چه کند؟] فرمود: آن را در ساختن بنایی (بستان یا خانه‌ای) سرمایه‌گذاری کند» (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱: ۱۶۱). شهید آیت‌الله بهشتی یکی از عوامل ظلم به کارگر را مجبور شدن صاحبان نیروی کار به فروش نیروی کار خود به صاحبان سرمایه می‌داند. بنابراین یک راه حل جلوگیری از این ظلم، ارائه سرمایه و ابزار کار به صورت فردی و گروهی - سهامی یا تعاونی - به هر کسی که آمادگی کار را داشته باشد (بهشتی، ۱۳۶۳: ۷۷-۷۶).

در زمان پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلمین علیه‌السلام، زمین و ساختمان مورد نیاز برای بازار غالباً از طرف بخش عمومی عرضه می‌شده است و از زمین تعیین شده خراج یا اجاره گرفته نمی‌شد. همچنین پیامبر اکرم با اخذ مالیات از تجار مخالفت کرده و حتی ایشان، غیرمسلمانان را برای تجارت در بازار اسلامی تشویق و خسارت‌های احتمالی آنان را در این زمینه جبران می‌کردند (عیوضلو، ۱۳۸۴: ۲۴۲-۲۴۰).

۳-۶. تقسیم ریسک بر عوامل تولید

در اقتصاد مرسوم، کارفرما تمام ریسک زیان را قبول می‌کند و در صورت سوددهی، سود کامل را بعد از پرداخت اجرت سایر عوامل تولید، دریافت می‌کند. در اقتصاد اسلامی، کارفرما تنها عامل ریسک‌پذیر نیست بلکه کارفرما درصد مشخصی از سود را در صورت سوددهی کارش می‌برد و در صورت زیاندهی فقط اجرت خود را به صورت درصدی از سود از دست می‌دهد که برای او زیان محسوب می‌شود (همان، ۱۳۷۵: ۳). لذا «تکالیف و رنج و زحمتی که به مردم تحمیل می‌شود باید متناسب با حق و بهره آنان باشد؛ نه اینکه یکی مکلف باشد و یکی حق و بهره را ببرد؛ من له الغنم و علیه الغرم» (مطهری، ۱۴۰۳: ۱۵۷-۱۵۶). در حدیثی از امیرالمومنین علیه‌السلام آمده است که هرگاه در مضاربه، شخص عامل سود صاحب سرمایه را تضمین کند،

در پایان عملیات جز اصل سرمایه، چیزی به صاحب سرمایه تعلق نمی‌گیرد، و از سود به او داده نخواهد شد (صدر، ۱۳۵۷، ج ۲: ۲۲۸). ریشه این دستورات را می‌توان در «الخراج بالضمنان [درآمد تنها همراه با ریسک زیان]»، و «الغنم بالغرم [درآمد همراه با ریسک]» دانست (طاهر، ۱۳۸۴: ۳۸۰).

۳-۷. عدم اضطراب کارگر در معامله

فیلیسین شاله می‌گوید: «منحصر شدن دارایی‌ها به اشخاص معدودی، در به کار واداشتن کارگران آزاد، همان تأثیر را داشته است که شلاق در غلام؛ رنجبر که چیزی ندارد، مجبور است فوراً مشغول کار شود. والا از گرسنگی خواهد مرد؛ او مجبور است برای سرمایه‌دار کار کند، و قسمت عمده محصول کار خود را به او واگذار نماید». اسلام در این باره که فردی مضطر شده و می‌خواهد کالای خود را به قیمتی کمتر بفروشد، توصیه به خریدن به عدالت از طرف خریدار می‌کند. اما در غیر این صورت، این گونه سوءاستفاده از بیچارگی مردم حرام است (مطهری، ۱۴۰۳: ۳۸۲-۳۸۰). امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «کسانی که با افراد مضطر و درمانده معامله می‌کنند، بدترین مردم‌اند» (ایروانی، ۱۳۸۴: ۲۱۶). بنابراین از اصول اقتصاد اسلامی این است که فردی دیگر را استثمار نکند، و دیگر آنکه به آزادی افراد در حین انتخاب کار احترام گذارد (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۰۶).

البته معامله مضطر، هرچند باطناً و قلباً مایل نباشد، معامله‌ای صحیح است اما فرد دیگری که در مقابل مضطر قرار می‌گیرد حق ندارد از اضطراب او سوءاستفاده کند؛ یعنی هر چند از نظر فروشنده عمل جایزی صورت گرفته، اما از نظر خریدار عمل نامشروع و حرامی صورت گرفته است؛ اجتماع مکلف است که در این گونه موارد خانه (جنس) او را به طور عادلانه بخرد (همان: ۲۱۹-۲۱۷). در بازار سیاه اگر کارگر محدود شود، و مجبور به فروش کار خود به هر قیمتی شود، این همان استثمار و بزرگ‌ترین گناه است؛ حتی کارگر باید اختیار داشته باشد بین اجاره و سهمی شدن در سود به آزادی انتخاب کند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹: ۱۵۸-۱۵۷).

۳-۸. اصل عدم تداول ثروت در میان ثروتمندان

براساس متون اسلامی، نیازمندان در ثروت ثروتمندان سهمی و شریک‌اند و آنگاه که

توانگران، محرومان را از حق خویش محروم سازند، آنها به طرف فقر می‌روند. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «نعمت و ثروت فراوان و انباشته را ندیدم، جز اینکه در کنار آن حقی ضایع و به یغما رفته باشد» (جناتی و صادقی اردستانی، ۱۳۶۱: ۹۳-۹۰).

به نظر می‌رسد اهمیت تداول ثروت بیشتر از جهت همیشگی بودن آن است. آنچه از دست به دست شدن ثروت دریافت می‌شود، حکایت از تکاثر اموال با استفاده از موقعیت سرمایه و بالا بودن سهم آن در جامعه دارد. لذا اگر سرمایه‌داری سهم بالایی در جامعه داشته باشد نتیجتاً سرمایه‌داران همیشه دارای ثروت و درآمد بالاتری نسبت به آحاد جامعه بوده، و محققاً تداول ثروت هم بین اغنیاء صورت می‌پذیرد. لذا به نظر می‌رسد یک سیستم دستمزدی مناسب موجب افزایش سهم کار می‌شود.

۴. بررسی چارچوب اسلامی تولید مشارکتی از نگاه عقود اسلامی

با توجه به چارچوب کلی عقود اسلامی در این قسمت می‌خواهیم بدانیم تولید مشارکتی در فقه اسلامی در ذیل کدام عقد فقهی قرار می‌گیرد و آیا می‌توان آن را به‌عنوان عقد جداگانه‌ای دارای مشروعیت دانست یا خیر.

۴-۱. بررسی تطبیقی تولید مشارکتی در برخی عقود اسلامی

در اینجا با بررسی مختصر برخی عقود به دنبال این هستیم که آیا می‌توان تولید مشارکتی را در قالب عقودی که برخی عقود مشارکتی و برخی غیرمشارکتی هستند، در اسلام اجرا کرد یا خیر.

۴-۱-۱. مضاربه

در کتاب ماوردی به نام *فقه الحاوی* او قرارداد بین صاحب کالای سرمایه‌ای و یک کارگزار را بررسی می‌کند که آن را در فعالیت تولیدی مولد به کار می‌گیرد تا سود حاصله را بین خود تقسیم کند. این نوع مضاربه در نظر ماوردی و به تبع اکثریت فقها صحیح نیست. گرچه بعضی از فقهای مذهب حنبلی این نوع مضاربه را جایز می‌دانند و البته به نظر می‌رسد قول به جواز این نوع قرارداد برای تأمین بعضی نیازهای زمان حاضر مناسب‌تر نیز است (صادق و غزالی، ۱۳۸۵: ۵۱).

سؤال این است که آیا مضاربه اولاً در سرمایه‌گذاری جایز است؟ و ثانیاً آیا می‌توان حداقل دستمزدی را - برای شبیه‌سازی در تولید مشارکتی - در این قرارداد متعهد شد یا نه؟

الف) بررسی مضاربه در سرمایه

برخی از محققان و فقها، مضاربه را فقط در تجارت می‌دانند و برخی دیگر، واژه تجارت را در معنای عام، یعنی شامل سرمایه هم تعبیر کرده‌اند؛ همچنین در مواردی هم که منظور از تجارت همان خرید و فروش باشد، باز هم با این استدلال که تجارت خصوصیتی ندارد، می‌توان آن را عام و شامل سرمایه‌گذاری گرفت (بروجردی، ۱۳۷۳: ۱۹-۱۸). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هیچ ضرورتی ندارد که سرمایه مضاربه در راه تجارت به کار گرفته شود (همان: ۸۴). همچنین آیت الله مکارم شیرازی در این زمینه چنین فتوا می‌دهند: «لازم نیست سرمایه‌گذاری در مضاربه برای امور تجاری باشد، بلکه سرمایه‌گذاری در امور تولید (صنعتی، کشاورزی، دامداری و مانند اینها) را شامل می‌شود. بنابراین خرید سهام کارخانه‌ها و استفاده از منافع آنها نیز (در قالب مضاربه) صحیح است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۴۸۳).

ب) بررسی مضاربه در تأمین مخارج مضارب

برای پاسخ به سؤال دوم باید گفت که اولاً در مضاربه برای انجام معاملات، فرد در شرایطی می‌تواند به سفر برود؛ قویترین نظر این است که عامل می‌تواند هزینه این سفر را از اصل سرمایه مالک برداشت کند (بروجردی، ۱۳۷۳: ۶۳-۶۲). همچنین در یک مبنای فرد مضارب حتی در وطن خویش علاوه بر سفر، اگر تنها برای عمل در مال مضاربه ممحض شده و اختصاص امکانات دارد و تمام وقتش را به این کار صرف کرد، مخارجش را طلبکار می‌باشد (ایزدی، ۱۳۷۶: ۶۵). اگر عامل مضاربه شرط کند که هزینه فرد در سفر و یا غیر سفر به عهده صاحب مال باشد، این شرط صحیح است (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۹۴). در موارد مریض شدن مضارب، عده‌ای معتقدند اگر فرد در راه تجارت مریض شود و این مرض از عوارض سفر بوده است، عامل می‌تواند مخارج این بیماری را از مال مضاربه برداشت کند (ایزدی، ۱۳۷۶: ۷۶). بنابراین شاید بتوان از موارد بالا نتیجه گرفت که خرج سفر و یا مرض در سفر خصوصیتی نداشته و آنچه مهم است آنکه

امروزه با توجه به هزینه‌های زندگی، بتوان صحیح بودن شرط حداقل پرداخت هزینه زندگی فردی که در تمام سال، خود را وقف یک کار می‌کند، استنباط کرد.

۲-۱-۴. شرکت

در اینجا ابتدا باید بررسی شود که اولاً آیا سهم‌بری براساس سرمایه است یا خیر؟ اگر چنین نباشد می‌توان با یک سرمایه‌ناچیز از طرف کارگران، آنها را در درصد سود دلخواه شریک کرد. به نظر می‌رسد اصل اولیه در این مورد باید رعایت اصول شرعی باشد که مطابق با عدالت است (رک. عیوضلو، ۱۳۸۴: ۲۸۷). برخی فقها معتقدند که در شرکت، سود و زیان باید به نسبت سرمایه هر یک از شریکان باشد؛ اما برخی دیگر شرط تفاوت در سود، با وجود تساوی سهم‌ها را مجاز می‌دانند؛ برخی از آنها با قرار دادن کار اضافی در مقابل سود اضافی، مشکل را حل کرده‌اند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۳۶-۱۳۳). در ماده (۵۷۵) قانون مدنی ایران آمده است: «هر یک از شرکا به نسبت سهم خود در نفع و ضرر سهم می‌باشد، مگر اینکه برای یک یا چند نفر از آنها در مقابل عملی سهم زیادتری منظور شده باشد» (همان: ۱۶۰). بنابراین به نظر می‌رسد یک حداقل اجرتی، به‌عنوان هزینه یا دستمزد ثابت به علت صرف وقت برای هر کدام از شرکا را می‌توان در شرکت مورد بحث قرار داد.

۲-۴. جعاله

به‌طور کلی اگر جعاله نظیر تولید مشارکتی، بین یک جاعل و عوامل متعدد دیگر انجام پذیرد، با وجود اینکه حتی تعداد افراد طرف عامل هم معلوم نباشد، این جعاله صحیح خواهد بود (همان).

۱-۲-۴. معلوم بودن جعل

شهید اول، محقق اردبیلی، فخر المحققین، آیت‌الله کمره‌ای و برخی دیگر از بزرگان معتقدند که در جعاله تعیین مقدار اجرت لازم نیست. البته محقق حلی و اکثر فقهای شیعه مجهول بودن عوض را مبطل جعاله می‌دانند. آیت‌الله کمره‌ای معتقد است در صورت عدم تعیین اجرت در جعاله، عامل مستحق اجرت‌المثل است (مظاهری، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۵). یک

جعاله صحیح آن است که فرضاً دولت اعلام کند اگر کسی کار مشخصی را انجام دهد به او مقدار مشخصی پول می‌دهد؛ و با فرض اینکه این فرد ایرانی باشد مبلغ بیشتری نیز ارائه خواهد کرد (همان: ۳۱). همچنین سؤال این است که آیا تعیین روش و اسلوب استخراج حقوق در شرایط نوسانات بازار، تعیین مزد محسوب می‌شود یا این نحوه هم جزو تعیین حقوق محسوب نمی‌شود؟ همچنین با توجه به سودبری کارگران از سود با اسلوب مشخص، این قسمت نیز با توجه به مشخص بودن ارتباط کار و سوددهی در اکثر موارد، به نظر می‌رسد جزو قسمت مشخص محسوب شود.

بنابراین در جعاله میزان کاری که باید انجام شود، لازم نیست مشخص باشد؛ علاوه بر این اجرت نیز به طور کامل ممکن است معلوم نباشد (همان: ۳۲). اگر کسی «بگوید هر کس زمین مرا شخم بزند، و این مقدار گندم را در آن بپاشد، یک سوم محصول پس از برداشت برای او خواهد بود»، این جعاله صحیح است (همان: ۱۱۳).

۲-۲-۴. معلوم بودن عامل

بهترین تعریف جعاله چنین است: وعده پرداخت مبلغی معین یا مقدار مشخصی مال از ناحیه شخص بالغ عاقل، به کسی که کار معینی انجام دهد (اعم از اینکه آن فرد معین باشد یا مجهول) (همان: ۲۹). دایره جعاله وسیع‌تر از دایره اجاره است. چرا که برخلاف اجاره، در جعاله معلوم بودن عمل از حیث زمان، مکان و وصف و غیر اینها شرط نیست (بازگیر، ۱۳۷۹: ۳۰۳). از این رو با توجه به تعریف جعاله در جمهور فقها؛ امامیه، شافعیه، مالکیه و حنابله تعیین فرد لزومی ندارد.

۳-۲-۴. تعدد عوامل

همان‌گونه که در این تحقیق در قسمت «بررسی مسائلی در عقد جعاله»، نتیجه‌گیری می‌شود، تعدد عوامل در عقد جعاله جزو شرایط صحت این عقد بوده و منعی ندارد؛ در این حالت هر یک از افراد به نسبت کاری که انجام داده‌اند مزد خواهند گرفت، و به نظر می‌رسد یک فاصله زمانی عرفی در این عقد بین عوامل مختلف منعی نداشته باشد.

۳-۴. تولید مشارکتی به عنوان یک عقد مستقل

تولید مشارکتی را می‌توان به عنوان عقد جدیدی که حاوی شرایط عمومی بوده و مخالفتی با اصول اسلامی نداشته باشد، نیز بررسی کرد.

فقیهان، عقود مستحدثه را یا به عنوان عقدی مستقل و یا با عقود شناخته شده تطبیق داده و حکم به مشروعیت آنها داده‌اند. بر این اساس هر عقدی باید قواعد عمومی قراردادها یا شرایط صحت عقود را دارا باشد، چرا که در غیر این صورت صحیح نخواهد بود (جمالزاده، ۱۳۸۰: ۱۷۰-۱۶۹). بر اساس قاعده اصالة الصحة یا اصل صحت، قراردادی را می‌توان غیر صحیح دانست که ثابت شود فاقد یکی از شرایط صحت است؛ در غیر این صورت قرارداد صحیح خواهد بود (صفایی، ۱۳۸۶: ۵۹).

ایجاب و قبول، شرایط عمومی متعاقدان برای طرفین عقد، شروط مورد معامله (قابلیت پذیرش عقد، مالیت و ملکیت)، مشروعیت مورد و جهت معامله، سلطنت تام مالک بر ملک، معلوم بودن مورد عقد و قدرت تسلیم عوضین را می‌توان از شرایط عمومی معاملات ذکر نمود (جمالزاده، ۱۳۸۰: ۲۳۴-۱۸۸). با توجه به شرایط بیان شده به نظر نمی‌رسد از نگاه فقهی اشکالی بر احتساب تولید مشارکتی به عنوان یک عقد مستقل وجود داشته باشد.

۵. برخی شواهد اسلامی درباره تأیید ساختار تولید مشارکتی

با مطالعه در آثار اسلامی، به نظر می‌رسد بتوان شواهدی از دین مبین اسلام نسبت به تولید مشارکتی بیان کرد.

۱-۵. خمس، زکات و مالیات‌ها

مالیات‌های اسلامی، عموماً مالیات‌های تناسبی و احياناً تنازلی هستند؛ ابن خلدون در خصوص عدالت مالیاتی به فرزندش می‌نویسد: «مالیات‌ها را چنان عادلانه در بین مردم توزیع کن که همگان در پرداخت آن مشارکت نمایند» (عمرچرا، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

در احکام اسلامی انتقال درآمدهای خمس و زکات در یک نظام انتقال درآمدی اسلامی به صورت درصدی تشریح شده است. این مسئله می‌تواند بیانگر این باشد که در

نظام انتقال درآمد از نگاه اسلام، همواره باید انتقال درآمد متناسب با منبع درآمدی باشد.

۲-۵. نحوه تقسیم ارث

در احکام اسلامی تقسیم ارث نیز به صورت مشاع و درصدی دستور داده شده است. چراکه به نظر می‌رسد در انتقال متناسب ثروت، نظم اجتماع و عدالت در میان وراث بهتر رعایت می‌شود. بر این اساس حتی مخارج لازم، دیون، خمس و زکات لازم، و وصیت‌های فرد از این قاعده مستثنا نخواهد بود؛ برای مثال میت وصیت کرده است ثلث مال یا بخشی از آن را به مصرفی برسانند؛ اما وصیت زیاده‌تر از ثلث با اجازه ورثه قابل قبول است (فلاح‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۹۶).

۳-۵. مضاربه، مزارعه، مساقات و شراکت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ایجاد قراردادهای مزارعه، مساقات و مضاربه بین دو گروه انصار و مهاجرین، در صدر اسلام، با سهمی برابر بین انصار و مهاجرین، توزیع درآمد را در جامعه آن روز اصلاح کردند (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۱: ۷۹-۷۸). همچنین تمام عقود مذکور به صورت سهم‌های درصدی می‌باشند؛ به نظر می‌رسد یکی از علل این باشد که در طبیعت، ریسک تولید محصول بالا بوده و اینکه محصول در این گونه عقود چقدر باشد، را نمی‌توان به درستی پیش‌بینی کرد؛ لذا شارع مقدس با این نظام، دو طرف را در ریسک بالای نتیجه این عقود سهیم و شریک کرده است.

۴-۵. بررسی فروش نسیه و میزان سودبری

بر اساس نظریات مختلف، به نظر می‌رسد که نسیه و همچنین میزان سودبری در فعالیت‌های اقتصادی، به نسبت بیشتر بودن ارزش کالا بیشتر می‌شود و این رابطه منطقی‌رابطه‌ای درصدی است. در نظر شهید بهشتی در نسیه، کار بایع این است که توزیع بکنند. وقتی که بایع جنس خود را به صورت نسیه فروخت امکان فعالیت اقتصادی را از خودش سلب کرده است. بنابراین فروشنده این اضافه را در مقابل سلب این امکان می‌گیرد (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۰۹). در نظر شهید مطهری، معامله نسیه در واقع یک استفاده‌ای است از اضطرار، البته نه به آن

شدت، کسی که نسیه می‌خرد حتماً به دلیل این است که نمی‌تواند پول آن را نقد بدهد؛ یا لاقبل برایش صرف نمی‌کند. فروشنده در فروش جنس خود آزاد است، مشتری را در شرایط خاص می‌بیند و قیمت را بالا می‌برد (همان: ۱۱۴). از جهت دیگر چون مصرف حال درآمد بر مصرف آینده برتری دارد، و این تفاوت نسبی بستگی به نرخ نهایی ارجحیت زمانی دارد، نرخ نسیه از قیمت نقد آن بالاتر است (شعبانی، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

۵-۵. برخی آیات و روایات

از راه مشروع صد پارچه ملک درست نمی‌شود؛ امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «خداوند به هیچ بنده‌ای ۳۰ هزار درهم نداده، در حالی که خیر او را خواسته باشد». کنایه از اینکه جمع‌آوری این مقدار از مال با سلامت دین ممکن نیست و همیشه درآمد مشروع حد معینی دارد، و بالاتر از آن از راه مشروع به دست نمی‌آید (مطهری، ۱۴۰۳: ۲۰۹-۲۰۸). لذا ثروت حدی عرفی، مطابق با شرایط جامعه دارد و هر نوع ثروتی باید با درآمد جامعه متناسب باشد.

۱-۵-۵. سهام کردن مؤمن در سود

در برخی روایات آمده است که بعد از گذاشتن قرار بین کارفرما و کارگر و دادن مزد کارگر بدون وقفه، مقداری هم اضافه از طرف معصوم علیه‌السلام به کارگر پرداخت شود. این مسئله نشان می‌دهد پرداخت اضافی به کارگر که معمولاً از سود حاصل می‌شود، می‌تواند یک الگوی دستمزدی باشد. در همین راستا امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «[حق مؤمن بر مؤمن]، سهام کردن یکی در دارایی دیگری است» (ایروانی، ۱۳۸۴: ۱۴۶). امیرالمؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید: «خدا را، خدا را درباره فقیران، و بیچارگان [در نظر بگیرد] پس آنان را در زندگی خود سهام نمایید، (فشارکوهم)» (همان: ۱۸۵). پیامبر اکرم (ص) فرمود: «کارگران شما برادران دینتان هستند که زیر دست شما قرار گرفته‌اند. پس کسی که برادرش را به عنوان کارگرش استخدام کرده است باید از آنچه خود می‌خورد به او بخوراند و از آنچه خود می‌پوشد به او بپوشاند» (عیوضلو، ۱۳۷۵: ۳).

۲-۵-۵. عدل در تقسیم اموال

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «اگر اموالت را با [برادر مؤمن خود] تقسیم کردی ایثار نکرده‌ای، و در این حالات تو و او برابر هستید؛ ترجیح دادن و ایثار آن است که از آن نیمه دیگر [متعلق به خود]، نیز به او بدهی» (تسخیری، ۱۳۸۲: ۳۴۴). مقصود از ظلم به کارگر و پرداخت نکردن حقوق او، مربوط به ندادن ارزش افزوده‌ای است که مربوط به سهم کارگر می‌شود (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹: ۱۶۶-۱۶۵).

در روایات فراوانی تأکید به پرداخت مزد کارگر حتی قبل از خشک شدن عرق او شده است؛ جالب این است که تولید مشارکتی در اصل عبارت است از پرداخت مزد کارگر در کمترین زمان ممکن؛ از آن جهت که هر پرداختی به کارگر با توجه به در نظر گرفتن کلیه شرایط کوشش فرد و نوسانات بازار است.

۳-۵-۵. کراهت اجیر شدن

کسی که قرارداد اجاره می‌بندد و مزدبر دیگری شده است، در حقیقت طبق روایات مانع روزی خود شده است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴). در وصیت‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، در هنگام وفات، توصیه به عدم اجیر شدن و مزدوری مسلمانان شده است (همان: ۳۸-۳۷). امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که خود را مزدگیر دیگری کند، مانع روزی خود شده است و چگونه چنین نباشد، درحالی که دسترنج وی از آن کارفرمایی است که او را اجیر خود کرده (ایروانی، ۱۳۸۴: ۱۰۳). همچنین اسلام اجاره کار را مکروه شمرده و به قرارداد مشارکتی توصیه می‌کند (رستمی، ۱۳۸۴: ۱۸۴). بنا بر نظر آیت الله جوادی آملی، اکثر فقها، مزدوری را مکروه دانسته، و اگر تشویق به کار کردن شده‌ایم منظور زیاد کردن صرف مزدوری نیست، بلکه از آنجاکه شأن انسان‌ها و کرامت آنها بسیار بالا بوده و استقلال کارگران بسیار مهم است، اعطای تسهیلات برای افراد بیکار به منظور کار اقتصادی مستقل برای افراد، منظور بوده است.^۱

۱. این قول در سخنرانی معظم‌له در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۱۷ در مسجد قائم احمدآباد دماوند، در سخنرانی برای کارکنان شهرداری تهران ایراد گردیده است.

۴-۵-۵. تأمین اهداف توزیعی اسلام

هرگاه انفاق‌های واجب (به هر دلیلی)، پاسخگوی نیازمندی‌های فقیران نباشد، مسئولیت تأمین فقرا از دوش اغنیا برداشته نمی‌شود؛ و این حق، حدود و شرایط خاصی ندارد و بسته به نیاز نیازمندان است؛ نام آن «حق» و یا «حق معلوم»، و یا «زکات باطنی» در آموزه‌های دینی است (ایروانی، ۱۳۸۴: ۱۹۶-۱۹۵). امام صادق علیه‌السلام، می‌فرماید که «به راستی که مردم، فقیر و نیازمند و گرسنه و برهنه نشوند جز به گناه ثروتمندان»، همچنین امام حسن عسکری علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «توانگران آنان، توشه تنگدستان را می‌ربایند» (همان: ۱۸۲). از دیدگاه اسلام، تقسیم جامعه به دو قطب ثروتمند متکاثر و فقیر مستضعف، به هیچ روی پذیرفتنی نیست، و دست کم در بیشتر موارد، معلول ظلم انسان و استثمار توده‌های مردم است (همان: ۱۵۴). برای جلوگیری از این روند، دولت اسلامی می‌تواند یک نظام دستمزدی مناسب پایه‌گذاری کند.

۵-۵-۵. برخی دستورات اسلامی

در اسلام دستورات فراوانی به ترغیب برای کاری که به آن امید است، شده است. برای مثال امیر المومنین علی علیه‌السلام عامل نجات مؤمن را سه چیز می‌دانند: یکی از آن عوامل اشتغال فرد به کاری است که هم نفع اخروی دارد و هم نفع دنیوی؛ همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کاری را مفید می‌دانند که موجب منفعت صاحبش در دنیا و آخرت شود؛ از امام صادق علیه‌السلام نیز نقل شده است که به کاری اقدام کنید که به آن امید داشته باشید (ولوی، ۱۳۸۱: ۷۶-۷۵). جزای اعمال هر صاحب عملی در روز قیامت، خود اعمال اوست، دیگر با چنین جزایی ظلم تصور ندارد، چه جزایی عادلانه‌تر از اینکه عین عمل کسی را مزد عملش قرار دهند (طباطبایی، ج ۱۸: ۱۴۸).

۶-۵-۵. بررسی مسائلی در عقد جعاله

در جعاله در صورت عدم انجام کامل عقد و یا در صورت انحلال عقد در اثنای عمل، چنانکه مزد جعاله دارای اجزای مقصود بالاصاله باشد، عامل از جعل به نسبت عملی که انجام داده است، استحقاق خواهد داشت. اعم از اینکه انحلال عقد جعاله با فسخ جاعل

انجام شود، یا فسخ عامل (شهیدی، ۱۳۸۶: ۱۱۵). اگر عاملین متعدد، به شرکت هم عملی را انجام دهند، هر یک به نسبت مقدار عمل خود مستحق جعل می‌شوند. برای مثال اگر سه نفر هر یک، یک ثلث از نهر را به همان کیفیت حفر کنند، هر یک از عاملین به نسبت عمل خود استحقاق اجرت خواهند داشت (بازگیر، ۱۳۷۹: ۳۲۱-۳۲۰).

اگر در جعاله‌ای جاعل مقرر کند هر کس دو عمل برای من انجام دهد، و عامل یکی از آن دو را انجام دهد. در این صورت عامل نصف جعل را مستحق خواهد بود؛ و این در حالی است که دو فعل مساوی باشد (رئسی، ۱۳۷۳: ۱۲۹). شهید صدر می‌فرماید: عقود فراوانی، مشارکت در سود را تداعی می‌کنند؛ برای مثال اگر شخص دیگری را برای جمع کردن هیزم به‌عنوان وکیل اختیار نماید، و اگر موکل شخصاً در امر تولید کار کند، تنها به نسبت کار خود از محصول عایدش می‌شود، و نه آنچه را وکیل جمع‌آوری کرده است (صدر، ۱۳۵۷، ج ۲: ۲۱۰).

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بعد از بررسی نظام تولید مشارکتی به صورت تفصیلی و بررسی قواعد فقهی دستمزد و همچنین اصول اسلامی دستمزدی، به بررسی قالب فقهی نظام تولید مشارکتی پرداخته و نظام تولید مشارکتی را در قالب عقود اسلامی مورد بحث و بررسی قرار دادیم. با توجه به مباحث فقهی مرتبط و اصول اسلامی دستمزد چنین نتیجه گرفته می‌شود که نظام تولید مشارکتی از نظر این اصول، کاملاً مورد تأیید اسلام بوده و در این نظام اکثر این اصول محقق می‌شود. همچنین بعد از بحث و بررسی مفصل عقود مختلف در فقه اسلامی نتیجه گرفته شد که عقد مشارکتی می‌تواند در قالب عقود اسلامی مختلفی همچون مضاربه، مشارکت و جعاله مورد قبول واقع شود و علاوه بر این موارد اگر عقد جدیدی هم تشکیل شود، مانعی از نظر احکام و اصول اسلامی وجود نخواهد داشت. همچنین بعد از بررسی زوایای مختلف اسلامی و همچنین آیات و روایات، دانستیم که عقد مشارکتی یکی از بهترین عقود است که با این دستورات همخوانی حداکثر را داشته و تمام جوانب این مسئله را محقق می‌کند. لذا در نهایت توصیه می‌شود به علت اثرات مفید این عقد و همخوانی آن با مبانی اسلامی، گسترش این نوع عقد و ایجاد بسترهای حقوقی آن در دستور کار دولتمردان قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۷). *مضاربه در اسلام*، چاپ دوم، قم، مرکز انتشارات تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲. احمدی، احمد (۱۳۸۱). *حقوق کار* (به همراه قانون کار مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام)، چاپ اول، تهران، نشر حقوقدان، دانش نگار.
۳. ایروانی، جواد (۱۳۸۴). *اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث*، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۴. بازگیر، یدالله (۱۳۷۹). *قانون مدنی در آینه آراء دیوان عالی کشور، شرکت، ودیعه، جعاله و احکام راجع به آنها*، تهران، چاپ اول، انتشارات فردوسی.
۵. بروجردی، مصطفی (۱۳۷۳). *مضاربه از نظر فقهای شیعه*، چاپ اول، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۶. بهشتی، محمدحسین (۱۳۶۳). *اقتصاد اسلامی*، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۲). *پنجاه درس در اقتصاد اسلامی*، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ مشرق زمین.
۸. جمالیزاده، احمد (۱۳۸۰). *بررسی فقهی عقد بیمه*، چاپ اول، قم، انتشارات بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی).
۹. جناتی، محمدابراهیم و احمد صادقی اردستانی (۱۳۶۱). *توازن ثروت در حکومت اسلامی*، چاپ دوم، قم، انتشارات حاذق.
۱۰. جهانیان، ناصر (۱۳۸۸). *اسلام و رشد عدالت محور*، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۱. حسینی، محمد (۱۳۷۶). *مالکیت ابزار تولید و سهم آن از محصول از دیدگاه اسلامی*، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. رستمی، محمد زمان (۱۳۸۴). *بررسی نظری تئوری های مزد - بهره‌وری نیروی انسانی از منظر اسلام*، رساله دکتری علوم اقتصادی (گرایش اقتصاد توسعه)، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. رئیسی، مصطفی (۱۳۷۳). *جعاله در اقتصاد اسلامی (فقه امامیه و عامه) و حقوق ایران*، به انضمام نقد و بررسی و اشکالات به تسهیلات (وام) جعاله در بانک‌ها، چاپ اول، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم.

۱۴. شعبانی، احمد (۱۳۸۷). *پول، بهره و تورم*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. شهیدی، مهدی (۱۳۸۶). *حقوق مدنی (۶)*، عقود معین (۱)، (بیع، معاوضه، اجاره، جعاله، قرض و صلح)، چاپ هشتم، تهران، انتشارات مجد.
۱۶. صادق، ابوالحسن محمد و عیدیت غزالی (۱۳۸۵). *عقاید اقتصادی اندیشمندان مسلمان*، ترجمه احمد شعبانی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۷. صدر، محمدباقر (۱۳۵۰). *اقتصاد ما یا بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام*، ترجمه محمد کاظم بجنوردی، جلد اول، چاپ اول، انتشارات برهان مؤسسه انتشارات اسلامی.
۱۸. _____ (۱۳۵۷). *اقتصاد ما یا بررسی‌هایی درباره مکتب اقتصادی اسلام*، ترجمه ع. اسپهبدی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۹. صفایی، حسین (۱۳۸۶). *قواعد عمومی قراردادها، دوره مقدماتی حقوق مدنی*، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، نشر میزان.
۲۰. طاهر، سعید (۱۳۸۴). «توزیع در اسلام»، *درس‌هایی در اقتصاد اسلامی*، ترجمه جمعی از دانش‌آموختگان دانشگاه مفید، چاپ چهارم، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
۲۱. عمرچیرا، محمد (۱۳۸۸). «دولت رفاه اسلامی و نقش آن در اقتصاد»، *گفتارهایی در مالیه عمومی در اسلام*، ترجمه داود منظور، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۲. عیوضلو، حسین (۱۳۷۵). «توزیع کارکردی (۱)»، *نظریه‌ای در روش اسلامی توزیع درآمد بین عوامل تولید*، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۳.
۲۳. _____ (۱۳۸۴). *عدالت و کارایی در تطبیق با نظام اقتصادی اسلام*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۴. فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۱). *سیاست‌های اقتصادی در اسلام*، چاپ اول، تهران، انتشارات آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۵. فلاح‌زاده، محمدحسین (۱۳۸۰). *آموزش فقه (۷۲ درس)*، احکام سطح عالی، چاپ چهاردهم، قم، دفتر نشر الهادی.
۲۶. کار، فریدون (۱۳۴۳). *قانون کار و قانون بیمه‌های اجتماعی به‌انضمام قانون سهام کردن کارگران در منافع کارگاه‌ها*، چاپ اول، تهران، چاپخانه سرعت.
۲۷. گل محمدی، هوشنگ (۱۳۸۱). *شرکت تطبیقی یا بررسی شرکت از دیدگاه مذاهب خمس (امامیه - حنبلیه - حنفیه - شافعیه - مالکیه)*، چاپ اول، ارومیه، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ریما اروم.

۲۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، جلد اول، چاپ پنجم، قم، انتشارات دارالحدیث.

۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، چاپ اول، تهران، انتشارات صدرا.

۳۰. _____ (۱۳۷۸). *مسئله ربا به ضمیمه بیمه*، چاپ دهم، تهران، انتشارات صدرا.

۳۱. _____ (۱۴۰۳ ه.ق). *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی*، چاپ اول، انتشارات حکمت.

۳۲. مظاهری، رسول (۱۳۸۱). *جعاله در بانکداری اسلامی*، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه بوستان کتاب قلم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی).

۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۰). *خطوط اصلی اقتصاد اسلامی*، جلد اول، قم، انتشارات مطبوعاتی هدف.

۳۴. _____ (۱۳۸۸). *رساله توضیح المسائل*، چاپ پنجم، مشهد، انتشارات آفتاب هشتم.

۳۵. ولوی، علی محمد (۱۳۸۱). *فرهنگ کار در اسلام - پژوهشی در قرآن و سیره معصومین علیهم السلام*، چاپ اول، تهران، انتشارات امیر کبیر.

۳۶. ویتزمن، مارتین. ل. (۱۳۶۸). *اقتصاد شراکتی (مهار رکود تورمی)*، ترجمه علی یاسری، چاپ اول، انتشارات پدیده.

۳۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۹). *عدالت اجتماعی (بخش اقتصاد)*، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه امام المنتظر (عج).

38. Bradley, Keith and Estrin Saul (1992). "Profit Sharing in the British Retail Trade Sector: The Relative Performance of the John Lewis Partnership", Blackwell Publishing, *The Journal of Industrial Economics*, Vol. 40, No. 3.

39. Kruse, Douglas L. (1991). "Profit-Sharing and Employment Variability: Microeconomic Evidence on the Weitzman Theory", Cornell University, School of Industrial and Labor Relations, *Industrial and Labor Relations Review*, Vol. 44, No. 3.

40. Matthews, Derek (1989). "The British Experience of Profit-sharing", Blackwell Publishing on Behalf of the Economic History Society, *The Economic History Review, New Series*, Vol. 42, No. 4.

41. Weinstein, Mark (1998). "Profit Sharing Contracts in Hollywood: Evolution and Analysis", The University of Chicago Press, *The Journal of Legal Studies*, Vol. 27, No. 1.

